

بقلم : آقای قویم الدوله

فرید الدین عطار

شیخ فرید الدین ابو حامد محمد عطار نساپوری ، از شعراء متصوف و نویسندگان نامی ایران واجله عرفاء و بزرگان اولیاء (۱) دارای کمالات صوری و صاحب مقامات معنوی و شهرت جهانی است .

شیخ عطار یکی از طائران ملکوتی و بار یافتگان پیشگاه وصال است . امیر دولت شاه سمرقندی در تذکرة الشعراء خود می نویسد : مرتبه عطار عالی است و مشربش صافی ، در شریعت و طریقت یگانه بود ، و در شوق و نیاز و سوز و گداز شمع زمانه .

مولانا جلال الدین محمد بلخی در باره اش گفته است :

من آن ملای رومی ام که از نظمم شکر ریزد

ولیکن در سخن گفتن غلام شیخ عطارم

مولانا در جای دیگر خود را پیرو وی میداند :

عطار روی بود و سنائی دو چشم او

ما از پی سنائی و عطار آمدیم

عارف ربانی علاء الدوله شیخ رکن الدین احمد بیابانکی سمنانی گوید :

سری که درون سینه ام پیدا بود

از گفته عطار و ز مولانا بود

سالک واصل وفاضل محقق شیخ سعدالدین محمود شیبستری بمقریبی در «گلشن

راز» گفته است :

(۱) ولایت بردو قسم است : عامه و خاصه . ولایت عامه مشترك است میان همه

مؤمنان (الله ولی الدین آمنوا یخرجهم من الظلمات الى النور) ولایت خاصه

مخصوص است بواصلان ارباب سکوک ، وهی عبارة عن فناء العبد فی الحق و بقائه به .

مرا از شاعری خود عار ناید که در سد قرن چون عطار ناید
 فریدالدین محمد عطار در روستای « کدکن » نزدیک نساپور زاده ، در
 کودکی سالی چند در مشهد علی بن موسی علیهما السلام بوده است :
 شهر شاپورم تولد گاه بود در حرمگاه رضام راه بود
 نساپور شهریست باستانی ، در قدمت نظیر ری ، که شاهنشاه عظیم الشان
 ساسانی شاپور پسر اردشیر بابکان قرب شادیاخ که روی بویرانی نهاده بود ، در دامنه
 جنوبی کوه « بینالود » نزدیک رود « فاروب رمان » پی افکند . - نه بمعنی شهر
 است . نساپور را ایران شهر هم می نامیده اند ، و آنجا منسوب است حکیم ایران شهری .
 شادیاخ شهری بوده است در سه کیلومتری جنوب شرقی نساپور .

نساپور - یا ایران شهر - بحسب آب و هوا از بیشتر بلاد خراسان بهتر و دارای
 ۲ هزار قریه آباد و نعمت فراوان است . این شهر باستانی در سده ششم هجری که
 عطار در آن می زیسته وسعت و عظمت شایانی داشته ، شعراء و ادباء و عرفاء و حکماء
 و محدثین و فقهاء بزرگ بایران داده است .

فصل بهار همه جا دلپذیر است ، ولی درین شهرستان خندان لطف و صفای دیگر
 دارد . پیرامون شهر از فراوانی آب و درخت و وفور سبزه و گل و لاله نمونه بهشت -
 برین است .

ولادت شیخ عطار را دولت شاه و تندکره نویسنده متأخر بر او بسال ۵۱۳ هجری
 قمری نبشته اند ؛ رضاقلی خان هدایت ، در « ریاض العارفین » ۵۱۲ نبشته ؛
 شادروان محمد قروینی دور از حقیقت دیده است . - مسلم است که عطار در
 نیمه اول سده ششم ، در روزگار شاهنشاهی سلطان سنجر سلجوقی زاده .

معزالدین والدین الحارث سنجر بن ملک شاه در دوران جهانپانی برادرانش
 (رکن الدین ابوالمظفر برکیارق و غیاث الدین ابوشجاع محمد) فرمانفرمای

خراسان و ترکستان غربی بوده، در سال ۵۱۱ هجری بتخت و تاج ایران و شاهنشاهی ممالک شرق رسیده است.

ابراهیم بن اسحاق، پدر شیخ عطار، از جگان «تون» و مرید قطب الدین حیدر بن سالور خان از خاندان خواقین ترکستان بوده است: اصل من از تون معمور آمده.

عطار هم در خرد سالی خدمت آن پیر صاحب‌دل مرتاض را کرده و نظر از وی یافته است.

تا نیفتد بر تو مردی را نظر
از وجود خود کجا یابی خیر
نام «تون» بفر دوس تبدیل شده است.

سلطان العارفین نورالدین عبدالرحمان جامی، در تفصیحات الانس نسبت خرقه عطار را بواسطه شیخ مجدالدین ابوسعید شرف بن مؤید بغداد کی خوارزمی بشیخ الشیوخ خراسان نجم الدین کبری، ابوالجناب احمد بن عمر خیوقی (۱) خوارزمی میدهد.

یکی از رسوم موضوعه صوفیان صفا خرقه پوشانیدن است، و خرقه بر سه نوع است: خرقه ارادت، خرقه تبرک و خرقه ولایت.

خرقه ولایت آنست که چون شیخ در مرید آثار و اصول بدرجه تربیت و تکمیل مشاهده کند و خواهد که او را بنیابت و خلافت خود نصب کرده بسوی فرستد، و در تصرف و عنایت بر خلق مأذون گرداند، تشریف ولایت بر تنش پوشاند. - در باره اشتقاق کلمه صوفی آراء مختلف است. شیخ ابوالقاسم عبد الکریم قشیری میگوید: این کلمه اشتقاق عربی ندارد (۲).

(۱) خیوق معرب خیوه، از شهرهای خوارزم است. - خوارزم شبه افلیمی است، از نواحی خراسان بشمار می‌آمده، دارالملکش گرگانج که پایتخت خوارزمشاهیان بوده.
(۲) ظاهراً کلمه صوفی از واژه یونانی «سوفیا» گرفته شده، و معنایش حکمت است.

شیخ مجدالدین بغداد کبی، از خلفاء شیخ الشیوخ خراسانی نجم‌الدین کبری (۱) بوده، در مجاهدت و تقوی قدمی راسخ داشته، و در اشارات و کلمات نفسی عالی. فرید الدین محمد عطار از پنج سالگی علائم فطانت و هوش از جبینش ظاهر بود. چون بسن رشد رسید رخت زی مدرسه آورد از سرای پدر. و عالی ترین مدارس نشابور نظامیه بود.

کشور پهنای خراسان ۴ شهر بزرگ آباد داشته: نشابور، هرات، قبة الاسلام بلخ، مرو شاهجان که دارالملک سلطان سنجر و سالها پایتخت ایران بوده است.

خواجه نظام الملک قوام الدین ابوالحسن علی بن اسحاق توسی وزیر سلطان جلال الدین ابوالفتح ملکشاه سلجوقی در بغداد واسپهان و هریک ازین ۴ شهر. مدرسه یی بنام نظامیه پی افکنده، علماء و ادباء و حکماء و فقهاء برجسته عصر را بتدریس بر گماشت و از خالص اموال خود مزارع و مستغلات خریده و بر آن مدارس وقف کرد.

سده ششم هجری عصر زرین تمدن درخشان شرق بوده، در اقطار اسلامی بازار علم و ادب و عرفان رونقی بسزا داشته است. چیزی که بیشتر به نشر و توسعه معارف کمک می کرد کتابخانهای عمومی و خصوصی و مخازن کتب و رسائل خطی حوزه-های علمی بدستگاه دیانت بستگی داشت.

عطار بسالی چند در ادبیات پارسی و تازی و معارف اسلامی تبجری بسزا حاصل کرد و بنمون فضائل آراسته گشت. وزان پس بصحبت مردان راه گرائید. هر جانشانی از یکی از مشایخ طریقت می یافت بی درنگ بدان سومی شتافت. چون شیخ مجد الدین بغداد کبی را دید بر حالش تغییری راه یافت، و از شوق رسید با آشنا از خود بیگانه گشت. مدار طریقت و شالده تصوف اسلامی بر انقطاع از دنیای فانی و اعراض از زخارف و لذائذ آن و عزلت گزیدن و عکوف بر عبادت و تفکر در امور آخرت و سرگرمی بذکر

(۱) چون شیخ نجم خوارزمی در دوران جوانی با هریک از میرزین طلاب مدارس نظامیه بلاد خراسان بحث علمی میکرد او را مغلوب میساخت، بطامه الکبری شهره شده.

ومحاسبه نفس بر افعال و تروك است .

فرید الدین عطار بدستور شیخ مجد الدین قدم در راه سیر و سلوک نهاد .
 فرق صوفیه در سیر و سلوک راههای مختلف داشته ، و هر فرقه در راهی که
 برای رسیدن بمقصد نزدیکتر می پنداشته اند سالک بوده اند . سید الطائفه ابوالقاسم
 جنید (۱) بغدادی می گفت : راه را کسی باید که کتاب خدای را بردست راست
 گرفته باشد و سنت مصطفی بردست چپ و در روشنایی این دو شمع فروزان می رود ،
 تا نه در مغاک شبهت افتد و نه در ظلمت بدعت .

امیر دولتشاه سمرقندی می نویسد : عطار بصومعه شیخ رکن الدین اکاف (۲)
 قدس سره رفت ، که در آن روز گارپیری ناسک و عارف و محقق بود ، زاویه‌ی گزید
 و بمجاهدت و معاملات مشغول گشت . بدستور وی چند اربعین بر آورد .
 طریقه شیخ رکن الدین و یارانش ، در خلوت ، ذکر و مراقبه بود .
 اشتها شیخ فرید الدین محمد بعطار بدین مناسبت بوده است که : پدرش
 خواجه ابوبکر ابراهیم بن اسحاق تونی در شهر نسا بور یا شادیاخ داروخانه معتبری
 داشته و برای پسر بارث گذاشته .

عطار در پزشکی علماً و عملاً استاد بوده ، هر روز در داروخانه اش گروهی
 از بیماران را دیده ، درمان می کرده ، و مستمندان را دارو بر ایگان می داده است .
 در خسرو نامه گوید :

بدارو خانه پانصد شخص بودند که در هر روز بنضم می نمودند

عطار علم طب را فرا گرفت از شیخ مجد الدین بغدادی که سلطان قطب الدین
 محمد بن تکش خوارزمشاه وی را بعنوان پزشک خاص بدربار درخشان خود خواند .

(۱) شیخ ابوالقاسم جنید بن محمد الخراز القواریری البغدادی اصلش از
 نهاوندست ، دوست پیر را خدمت کرده ، تصوف با او وارد مرحله نوینی شده است .
 جنید بسال ۲۹۷ هجری رخت از جهان بر بسته است و در بغداد گذشته .
 (۲) اکاف از مشایخ معروف نیمه اول سده ششم هجری است .